

A Review and Critique of the Entry "Heavenly Book" in the Leiden Encyclopedia of the Qur'an

Ali Karimpoor Qaramaleki

Assistant Professor, Department of Quranic Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. karimpoorali@yahoo.com

DOI: 10.22034/iscw.2024.715503

Original Research

Received:

2024-1-31

Accepted:

2024-05-13

Keywords:

Robert Wisnovsky, Orientalists, *mass* (touch), *mutahharun* (the purified), the hidden book

Abstract: Since its revelation, the understanding and interpretation of the meanings of the Qur'an have held a special place among both Muslims and non-Muslims. Given that the majority of Orientalists' research and objectives rely on presenting a distorted image of the Qur'an's concepts to the global community, evaluating their works becomes a necessity. This paper aims to highlight the shortcomings in the research of some Orientalists regarding the profound concepts of the Qur'an. The article "Heavenly Book" by Robert Wisnovsky in the Leiden Encyclopedia of the Qur'an is among those in which the author, while attempting to draw the reader's attention to the Qur'anic concepts, limits the meaning of "the hidden book, *mass* (touch), and *mutahharun* (the purified)" to the comprehensive heavenly source, preservation, and angels, respectively. The findings of this research, employing an analytical-critical method, point to the significant fact that Wisnovsky's article provides an incomplete account of the commentators' views on the aforementioned terms. Contrary to his perspective, the present study concludes that the majority of Shi'a commentators interpret these three terms as referring to the Qur'an, understanding, and the perfected human beings.



بررسی و نقد مدخل «کتاب آسمانی» دایره‌المعارف قرآن لایدن علی کریمپور قراملکی

۱. استادیار، گروه علوم قرآن، جامعه المصطفی، قم، ایران. karimpoorali@yahoo.com

DOI: 10.22034/iscw.2024.715503

چکیده: از زمان نزول قرآن تا به امروز، فهم و درک معانی قرآن در بین مسلمانان و غیر مسلمانان، جایگاه ویژه‌ای داشته است. از آنجا که غالب تحقیقات مستشرقان و اهداف آنان، منکی بر ارائه تصویر ناصواب از مفاهیم قرآن به جوامع جهانی است، لذا ارزیابی آثار آنان ضرورت پیدا می‌کند. هدف نوشتار کنونی، ترسیم نقائص پژوهش برخی مستشرقان در زمینه مفاهیم بلند قرآن است. مقاله «کتاب آسمانی»، اثر رابرت ویسنو اسکای در دایره‌المعارف قرآنی لایدن، از جمله مقالاتی است که نویسنده، ضمن تلاش در جلب توجه مخاطب به مفاهیم قرآنی، منظور از «کتاب مکنون، مسّ و مطهرون» را به ترتیب، منحصر در منبع جامع آسمانی، صیانت و ملائکه گزارش می‌کند. نتیجه تحقیق کنونی با روش تحلیلی انتقادی، معطوف به این حقیقت مهم است که مقاله وی، در ارائه گزارش از عقیده مفسران در باره موارد مذکور ناقص است. حاصل جستار کنونی، بر خلاف نظر وی، منتج به این حقیقت است که مراد از آن سه در نظر غالب مفسران شیعی، عبارت از قرآن، فهم و انسان‌های کامل است.

صص:

۲۷۵-۲۵۱

نوع مقاله:

علمی پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۱۱

کلید واژها:

رابرت ویسنو،

مستشرقان، مسّ،

مطهرون، کتاب

مکنون

بیان مسأله

آیات ۷۷-۷۹ سوره واقعه: «أَنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ (۷۷) فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ (۷۸) لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، از جمله آیاتی است که اذهان قرآن پژوهان مسلمان را در سه حوزه اساسی ذیل، به خود مشغول نموده است: ۱. مراد از کتاب مکنون چیست؟ ۲. منظور از مس چیست؟ ۳. مصداق یا مصادیق مطهرون، چه کسانی است؟. همانند قرآن پژوهان مسلمان، خاورشناسان قرآن پژوه نیز، در مقام فهم و درک محورهای سه گانه مذکور بر آمده‌اند. آنان با گزارش آراء و فهم و درک عالمان مسلمان، سعی نموده‌اند افزون بر گزارش از آنها، خود نیز به ارزیابی و تحقیق پردازند. یکی از افرادی که در زمینه قرآن شناسی به تحقیق مشغول گشته، رابرت ویسنو اسکای (Robert Wisnovsky) است. وی در مقاله «کتاب آسمانی»، به گونه گزارشی با استناد به سخنان قرآن شناسان مسلمان و غیر مسلمان، «کتاب مکنون» را حسابگر همه گذشته، حال و آینده حوادث و منبع وحی معرفی می‌نماید که با عناوین «ام الکتاب، کتاب مخفی و لوح محفوظ» در قرآن، از آن نام برده شده است. آنگاه، صیانت از آن را، مراد از «مس» دانسته و سپس، ملائکه را از مصادیق «مطهرون» معرفی می‌نماید.

در این میان، پرسش‌های بسیاری در باره آن مطرح است. از جمله، اینکه آیا مقاله وی، توانسته به معنای واقعی کلمه، همه آراء عالمان مسلمان را در باره کتب مکنون، حقیقت مس و مطهرون گزارش نماید؟ و چقدر به منابع شیعه در کنار کتب اهل سنت مراجعه نموده است؟ آیا اهداف خاصی در گزینشی عمل نمودن در پژوهش‌های خود دارند؟ و ...

نوشتار کنونی، تلاش دارد ضمن اثبات جامع نبودن و ناکافی بودن گزارشات رابرت ویسنو بر اساس آثار ارزشمند قرآن شناسان مسلمان اعم از شیعی و اهل سنت، ضعف و سستی مقاله فوق را در این زمینه‌ها نشان دهد.

پیشینه تحقیق

مطالعات قرآن شناسان غربی، در باره قرآن از زمان‌های گذشته در طول تاریخ وجود داشته است. فقط در هر دوره‌ای، رنگ و لعابی خاص به خود پیدا نموده است. (کریمپور قراملکی، ۱۳۹۷، ص ۴۵) تعریفات لفظی و محتوایی، انتساب قرآن به منابع غیر خدائی، ترجمه‌های ناصحیح، انتخاب نام‌های مشوش و مغشوش برای قرآن، استهزاء قرآن سوزی در زمان‌های اخیر و ... بخشی از اقدامات غیر معقول و ناصحیح آنان در مواجهه با قرآن است. این در حالی است که در مواجهه مسلمانان با تورات و انجیل، غیر از برخورد علمی و نظری، هیچ گونه برخورد خشن و نامعقول و بد اخلاقی مشاهده نمی‌توان نمود.

در سالیان معاصر، نوع اقدامات غرب در مواجهه با قرآن، شکل‌های خاصی پیدا نموده است که نگارش «دایره‌المعارف قرآنی، یکی از آنان به شمار می‌آید. «دایره‌المعارف قرآنی لایدن» در پنج جلد و هزار مدخل، یکی از این نوع نگاه‌هاست. سرویراستار این دایره‌المعارف، خانم جین دمن مک اولیف استاد دانشگاه جرج تاون (آمریکا) است که چهار تن از معروف‌ترین قرآن پژوهان و اسلام شناسان غربی، وی را در این راه یاری نموده‌اند. اهدافی از جمله: خلق بهترین اثر مرجعی در قرن حاضر، فراهم آوری در زمینه گسترده‌تر در باب قرآن شناسی و در دسترس قرار دادن آن برای طبقه عالمان متخصص، مد نظر مولفان اثر مذکور بوده است لکن ایراداتی، مانند: جایگزینی توضیح الفاظ به جای تبیین معارف، کم توجهی به نظرات و منابع شیعه، استناد فراوان به نویسندگان غربی، ضعف علمی برخی از نویسندگان و ... بر آن وارد است.

بدیهی است، افزون بر اینکه خود این اثر، از ابعاد مختلف مورد نقد قرار گرفته، برخی از مقالات آن هم توسط محققان مسلمان مورد انتقاد قرار گرفته است. مقاله «نقد دایره‌المعارف قرآن لیدن بر اساس آراء و مبانی شیعه»، توسط دکتر محمد حسن زمانی (مجله پژوهش‌های

فلسفی کلامی، ۱۳۸۲، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۷۵-۱۰۴) و یا مقالات انتقادی که در این زمینه‌ها به نگارش درآمده‌اند. (ر.ک: مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، مجله مطالعات اسلامی معاصر، مجله مطالعات اسلامی در جهان معاصر و غیره)

در باره خصوص مقاله رابرت ویسنو، با عنوان کتاب آسمانی، مقاله انتقادی در باره آن به رؤیت نگارنده نرسید. متأسفانه وی، در صدد تحریف و برداشت نادرست از آن است و جا دارد ایرادات وارد بر آن، تبیین و تحلیل گردد. بنابراین، وجه نوآوری مقاله کنونی در این است که افزون بر اینکه کاستی موجود در تحقیق رابرت ویسنو، پیرامون عنوان مورد بحث را روشن می‌نماید، وسعت دیدگاه‌های مفسران شیعی را نیز نشان می‌دهد.

الف- گزارش رابرت ویسنو در باره «کتاب مکنون»

بر اساس نقل رابرت ویسنو، مقصود از کتاب مکنون، منبع جامع همه کتب سماوی گذشته است. وی در این باره می‌نویسد: «مقصود از کتاب آسمانی، مادر کتاب یا کتاب مخفی یا لوح محفوظ است که منبع جامع همه‌ی کتب آسمانی نازل شده بر پیامبران، مانند کتاب شیت (ع)، ابراهیم (ع)، موسی (ع) و محمد (ص) است که تعداد صفحات آن ۱۰۴ یا ۱۱۴ صفحه می‌باشد» (ر.ک: Leiden Quran Encyclopedia, vol.2, p.412)

از سخنان وی برداشت می‌شود که طبق نقل وی، اولاً، منظور از کتاب مکنون، یک منبع جامع آسمانی است که همه کتب انبیای گذشته، از آن سرچشمه گرفته‌اند. ثانیاً، منبع عام برای همه کتب انبیای ماضی به شمار می‌آید. ثالثاً، منبع مذکور، به همین دنیای مادی نازل گشته است. رابعاً، منبع نامبرده، به صورت کتاب نوشته شده و دارای صفحات مشخصی به تعداد ۱۰۴ یا ۱۱۴ صفحه است. بنابراین، به عقیده وی، کتاب مکنون، به صورت مکتوب بوده و دارای اوصافی است که نقلش گذشت؛ چرا که بیان می‌کند مشتمل بر صفحات مشخصی است و با همان شکلش، به دنیای مادی نازل گشته است.

بررسی و تحلیل

گزارش رابرت ویسنو از جهات متعدد دارای خدشه است که برخی از آنها، به شرح ذیل است:

۱. عینیت کتاب مکنون با قرآن کریم

از ظاهر سخنان رابرت برمی آید که به نظر وی، گویا مسلمانان، کتاب مکنون را غیر از قرآن می دانند در حالی که بر اساس عقیده قرآن شناسان مسلمان، عبارت «کتاب مکنون»، می تواند صفت هر یک از قرآن، کریم و قرآن کریم باشد. صفت دانستن کتاب مکنون برای هر یک از سه مورد، حتما به معنای جدا انگاری صفت از موصوف نمی تواند باشد زیرا معنای کتاب مکنون بودن قرآن به عنوان مثال، این است که قرآن، در حصاری محکم و پوشیده (معانی دقیق و حق) قرار گرفته است که هیچ کسی نمی تواند آن را تغییر بدهد و این، از اوصاف انحصاری قرآن است.

شاهد بر آن، توجه به آیه بعد است که می فرماید «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ». چه بسا «کتاب» در اینجا، در معنای اصل لغوی اش (تثیبت و تقریر) به کار رفته؛ یعنی آیه شریفه، می خواهد بگوید: حقیقت قرآن، معانی ای است که فهم و معرفت و شهود آن در قبال مردم، در یک ستر و حفظ و غشاء است که جز مطهران، بدان راه نمی یابند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱۰، ص ۱۲۳)

به بیان دیگر، منظور از کتاب مکنون، معانی بلند و معارف عمیق الهی است. دلیل اینکه قرآن، در کتاب مکنون قرار داده شده است به خاطر پاسخ به شبهه کفار است که ادعا می کردند قرآن، پیوندی با عالم غیب و الله ندارد بلکه کتابی، بشری است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹، ص ۴۳۰) لکن خداوند با انزال این آیات شریفه، بیان داشته که قرآن، در ظرفی مصون از تغییر و تبدیل قرار داده شده است که تنها دست افراد پاک، می تواند بدان دسترسی داشته

باشد. از اینرو، قرآن، مرتبط به خداست و جنس بشر، قادر به آوردن مثل آن نیست مگر اینکه خداوند، توسط پیامبری به مردم برساند.

از آنچه گذشت، معلوم گردید که کتاب مکنون، منبعی جدا از قرآن کریم نیست بلکه یکی از اوصاف بارز قرآن کریم است که قرآن، با آن توصیف می گردد. پس، ادعای رابرت ویسنو که می گفت مسلمان‌ها، منظور از کتاب مکنون را، کتاب دیگری می دانند، گزارش درستی نیست.

۲. عدم اتفاق مفسران به عینیت کتاب مکنون با کتاب جامع ادعایی

نقد دیگری که بر ادعای رابرت، وارد می شود این است که وی ادعا نمود مسلمان‌ها، کتاب مکنون را به معنای کتاب جامع غیر از قرآن می دانند، آن هم صحیح نیست زیرا مفسران مسلمان، اعم از شیعه و سنی در تفسیر کتاب مکنون، اتفاق نظر واحدی ندارند. ممکن است این نظریه نادر، در کتابی نوشته شده باشد، اما چون هیچ توجیه معقولی برای آن وجود ندارد و در کتب معتبر از دانشمندان و شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام نقل نشده است، شایسته نیست در یک دایرة المعارف تخصصی قرآن به عنوان یک نظریه مهم گزارش شود. آراء ذیل را می توان در بین قرآن پژوهان مشاهده نمود:

رویکرد اول: عینیت کتاب مکنون با حقیقت قرآن کریم

برخی از مفسران مسلمان، بیان داشته‌اند که منظور از کتاب، خود قرآن است. بر اساس معنای لغوی «مکنون» که در لغت، به معنای مصون، محفوظ و مستور است، (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۲۸۱؛ جوهری، ۱۴۰۴: ج ۶، ص ۲۱۸۸؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۸، ص ۴۸۴؛ راغب اصفهانی ۱۴۱۲، ص ۷۲۷؛ فیومی، ۱۳۹۷: ج ۲، ص ۵۴۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ج ۱۳، ص ۳۶۰) مصونیت خود قرآن کریم از هر گونه بطلان و انحراف و مستوریت آن، از دستبرد تحریف کنندگان است. (فخر رازی، ۱۳۹۷: ج ۲۹، ص ۴۳۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۷، ص ۲۲۵) طبق این آیه شریفه، یکی از اوصاف آن، محفوظ بودن خود قرآن از سخنان باطل (سوره فصلت/ ۴۲) و اتصاف

آن، به حق (سوره سبأ/۴۹) و منزّه بودن آن، از اعوجاج و انحراف ظاهری و غیر ظاهری است. (سوره زمر/ ۲۸)

رویکرد دوم: عینیت کتاب مکنون با لوح محفوظ

ابن عباس در یکی از اقوالش، بیان نموده که منظور از کتاب مکنون، لوح محفوظ است. همان گونه که خداوند در آیه ۲۱ و ۲۲ سوره بروج: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ - فِی لَوْحٍ مَحْفُوظٍ» بدان اشاره می نماید. گروه زیادی از عالمان، تمایل به این نظریه نشان داده اند. (طوسی، بی تا: ج ۹، ص ۵۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۱۲۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۴۶۹؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۲۴۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۵، ص ۱۸۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۹، ص ۴۳۱؛ بغوی، ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۱۹؛ حقی برسوی، بی تا: ج ۹، ص ۳۳۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹، ص ۱۳۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۴، ص ۱۵۳؛ سبحانی، بی تا: ج ۹، ص ۳۶۲)

البته، در تفسیر لوح محفوظ میان علماء، اختلاف اقوال است. برجسته ترین اقوال، قول مرحوم علامه طباطبایی است که معتقد است قرآن، موطنی نوری و فوق عقل بشری دارد که از آن جایگاه در قرآن کریم، به لوح محفوظ و ام الكتاب در آیه ۳ و ۴ سوره زخرف: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ(۳) وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٍّ حَكِيمٍ؛ که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما (آن را) درک کنید! (۳) و آن در «أم الكتاب» [لوح محفوظ] نزد ما بلند پایه و استوار است!» یاد شده است. همینطور، از حقیقت مذکور در قرآن با تعابیر دیگری همچون: کتاب حفیظ (ق/۴) و کتاب مبین (یونس/۶۱ و هود/۶) و رق منشور (طور/۳۱) تعبیر آورده شده است.

رویکرد سوم: عینیت کتاب مکنون با تورات و انجیل

برخی هم مانند عکرمه، بر آن هستند که منظور از کتاب مکنون، تورات و انجیل است که بر ما پوشیده و در آن دو، قرآن به کرامت و بزرگی یاد شده است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۷،

رویکرد چهارم: عینیت کتاب مکنون با مصحف موجود در دستان مسلمانان

بعضی نیز، مانند قتاده و مجاهد معتقدند که مراد از آن، مصحفی است که در دستان ماست. (طبرسی، بی تا: ج ۹، ص ۵۱۰)، از وقتی که قرآن، به صورت مصاحفی در دست عموم مسلمانان قرار گرفت از هر گونه تحریف و تبدیلی مصون گشت؛ و از این لحاظ که آن موقع که این آیه نازل شده، هنوز مصاحف به این صورت رایج نبوده عملاً این آیه، یکی از موارد اخبار از غیب به شمار می آید که در قرآن آمده است. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ج ۱۰، ص ۹۲)

رویکرد پنجم: عینیت کتاب مکنون با مصحف موجود در دل مسلمانان

منظور از کتاب مکنون، قرآنی است که در دل مومنان استقرار دارد و کسی را، توان کنند و زودودن آن از دل مسلمانان نیست. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۲۷؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۳۲۲)

از آنچه بیان شد، معلوم گردید که در باره تفسیر «کتاب مکنون» در میان قرآن پژوهان مسلمان، اتفاق نظر نیست هر چند در نظر غالب آنان، خود قرآن است. پس اینکه رابرت ویسنو، مدعی بود که کتاب مکنون از منظر قرآن پژوهان مسلمان، منبع جامع و شامل همه کتب انبیای گذشته است، ادعای درستی نمی تواند باشد.

البته، در متون روایی ما، از ائمه (ع) به «کتاب مکنون» هم تعبیر شده است: «أخبرنا عبد الواحد بن عبد الله بن یونس قال حدثنا أحمد بن محمد بن رباح الزهري الكوفي قال حدثنا أحمد بن علي الحميري قال حدثني الحسن بن أيوب عن عبد الكريم بن عمرو الخثعمي عن جماعة الصائغ قال سمعت المفضل بن عمر يسأل أبا عبد الله ع هل يفرض الله طاعة عبد ثم يكتمه خبر السماء فقال له أبو عبد الله ع الله أجل و أكرم و أرف بعباده و أرحم من أن يفرض طاعة عبد ثم يكتمه خبر السماء صباحا و مساء قال ثم طلع أبو الحسن موسى ع فقال له أبو عبد الله ع أيسر ك أن تنظر إلى صاحب كتاب علي فقال له المفضل و أي شيء يسرنى إذا أعظم من ذلك فقال هو هذا صاحب كتاب علي الكتاب المکنون الذي قال الله عز و جل لا يمسهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛

... حماد صائغ می گوید: شنیدم مفضل بن عمر، از امام صادق (ع) می پرسید: ممکن است خدا اطاعت شخصی را بر مردم واجب نماید ولی آن شخص را از اخبار آسمان محروم کند؟ امام (ع) فرمود: خداوند بزرگ تر، کریم تر، رثوف تر و مهربان تر از آن است که بندگان خود را به پیروی از شخصی ملزم نماید، ولی او را صبح و شام از اخبار آسمان محروم کند. در این هنگام موسی بن جعفر (ع) وارد شد، امام صادق فرمود: خوشحالی از دیدار کسی که صاحب کتاب علی (کتاب مکنون) است، آن کتابی که خداوند می فرماید: جز پاکیزگان نمی توانند به آن دست بزنند. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۲۷) گفتنی است، حدیث مذکور، مقابل بیان تفسیری نیست؛ چرا که این حدیث، تأویل آیه شریفه است.

۳. نازل نشدن کتاب مکنون به دنیای مادی

اینکه رابرت ویسنو، معتقد بودند که آن منبع، به دنیای مادی نازل شده و به تعداد ۱۰۴ یا ۱۱۴ سوره است، صحت ندارد؛ چرا که از منظر عالمانی که به لوح محفوظ عقیده مند شده اند لوح محفوظ، عند الله است نه عند الناس. و از طرف دیگر، آن کتاب به شکل کتاب صفحه بندی شده هم نیست بلکه جایگاه علم کلی و جزئی پروردگار و محل حقیقت قرآنی و مشتمل بر همه مخلوقات است. چنین حقیقتی، عند الله است و به شکلی نیست که به دنیای کنونی، فرود آمده باشد یا صفحاتی را دارا باشد. (حافظیان، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵) همانگونه که ابن عباس، در تفسیر آیه از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون» قال: عند الله فی صُحُفٍ مُطَهَّرَةٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ، قال: الْمُقَرَّبُونَ» (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۶، ص ۱۶۲)

۴. نادرست بودن اتصاف کتاب مکنون به کتاب مادر

عنوان مادر کتاب، برای کتاب مکنون هم درست نیست؛ چرا که «ام الکتاب» در مقابل متشابهات، اصطلاحی در آیه ۷ سوره آل عمران: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ

الْفِتْنَةَ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» است که برای بخشی از آیات قرآن کریم که معانی شان، روشن و معانی دو پهلو ندارند، به کار برده شده است. زیرا وصف «ام الكتاب»، ناظر به قرآنی است که بر مردم توسط پیامبر نازل گردیده است نه آن کتاب جامع که رابرت، آن را ادعا می کند.

ب - گزارش رابرت ویسنو در باره «مس»

رابرت، پس از آنکه گزارش می کند که مقصود از مطهرون، ملائکه هستند، بیان می دارد که این ملائکه، آن منبع جامع را از هر گونه تغییر و تبدیلی مصون و محفوظ می دارند. از سخن وی، معلوم می شود که مس، نه به معنای علم و اطلاع بلکه به معنای صیانت و حفاظت و مس ظاهری است. بر اساس این فهم، معنای آیه شریفه به نظر وی، بدین گونه می شود که تنها ملائکه هستند که می توانند آن منبع جامع را، از هر گونه تغییری نگه دارند.

بررسی و تحلیل

گزارش رابرت ویسنو در باره تبیین معنای «مس»، از جهاتی متعدد مخدوش است که برخی از آنها، عبارتند از:

۱. اعم بودن واژه «مس» در لغت

اهل لغت برای کلمه مس بر خلاف لمس، دو معنا ذکر کرده اند. خلیل بن احمد گفته است که کلمه «مس»، به معنای لمس کردن است و کنایه از قرائت، یافتن طعم، نازل نمودن، نکاح، غیر ملتفت و جنون هم آورده می شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۷، ص ۲۰۹؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ص ۱۰۷) لکن به نظر مفردات راغب اصفهانی، واژه «مس» غیر از کلمه «لمس» است. واژه «لمس» برای یافتن چیزی است که اشیاء را لمس می کنند و دست می زنند هر چند که یافت نشده باشد، چنانکه شاعر می گوید: وَالْمَسُّ فَلَا أَجِدُ: جستجو کردم و لمس کردم ولی نیافتم.

لکن مسّ، در موقعی گفته می‌شود که با ادراک و حواس لامسه همراه باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۶۶) از اینرو، برخی گفته‌اند که مسّ، بر خلاف لمس که مختص حس با ید است حس با غیر ید را نیز شامل می‌گردد، لذا خداوند فرمود: «مَسَّتْهُمُ الْبِأْسَاءُ» (سوره بقره / ۲۱۴) یا فرمود: «وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ» (سوره انعام / ۱۷). (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۱۳۸)

از سخنان اهل لغت، معلوم می‌گردد که کلمه «مسّ»، اعم از معنای حس و درک ظاهری و مفهوم حس و درک باطنی؛ یعنی فهم و ادراک است. طبق نظر مفسران، اراده هر دو معنا در آیه شریفه محتمل است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۲۲۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۷، ص ۲۲۶) از اینجا، پی می‌بریم رابرت ویسنو که کلمه مسّ را، فقط به معنای حفظ و نگه‌داری معنا می‌کرد، ادعای صحیحی ننموده زیرا واژه مسّ، به معنای ادراک هم می‌آید، لذا گزارش رابرت ویسنو که منحصرأ معنای حسّی را مطرح نموده‌اند، ناقص است.

۲. عدم صحت اراده انحصاری معنای صیانت از «مسّ»

اساساً، اراده معنای صیانت و حس ظاهری هم در آیه شریفه بر اساس دلایل ذیل، نمی‌تواند درست باشد:

۱-۲. تناسب معنای حس ظاهری با متطهرون یا مطهرون

اگر معنای حس ظاهری از مسّ، مراد بود بایستی آیه شریفه به شکل «متطهرون یا مطهرون» می‌آمد. زیرا این نوع واژه، به اعتبار اینکه از باب تفاعل است، به معنای کسب طهارت می‌شود؛ یعنی آن کسی که حدث دارد، نیازمند کسب غسل در وقت مسّ قرآن است لکن آیه شریفه، واژه «مطهرون» از باب تفعیل است که به معنای کسی است که خداوند، او را از گناهان بزرگ یا کوچک پاک نموده است نه آن کسی که خودش را از حدث و گناه پاک نماید. پس، معنای مناسب با این واژه بر خلاف مسّ ظاهری، علم و درک مفاهیم قرآن است. (طباطبایی،

افزون بر آن، معرفی ملائکه به عنوان مصداق «مطهرون» بر اساس برخی روایات، مثبت این نکته است که آیه شریفه، ربطی به حکم شرعی مسّ ظاهری ندارد. (ثعالبی، ۱۴۱۸: ج ۵، ص ۳۷۱) خداوند در این آیه شریفه، در مقام بیان عظمت و شرافت جایگاه قرآن در مراتب ملکوتی و غیبی خداوند است و این اقتضا دارد که مقصود از «مسّ» دست کشیدن ظاهری نمی تواند باشد بلکه به معنای علم و معرفت به آن است. همانگونه که مسّ در آیه ۳۷۵ سوره بقره: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ...»؛ کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می خورد، گاهی بیا می خیزد)...»، به معنای دخالت و نفوذ شیطان در وارونه کردن فهم و علم رباکار و وسوسه ها و مکائد اوست. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۴۲۰)

۲-۲. ناسازگاری سیاق آیه شریفه با معنای انحصاری حس ظاهری

سیاق عبارت «فی کتاب مکنون» و آیه ۴۰۳ سوره زخرف: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (۳) و «إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ»؛ که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما (آن را) درک کنید! (۳) و آن در «أمّ الكتاب» [لوح محفوظ] نزد ما، بلند پایه و استوار است! نیز می رساند که مقصود از مس، همان معنای علم به آن باید باشد؛ چرا که آن چیزی که در مکنون و محفوظ است، دست کشیدن ظاهری به آن معنایی ندارد بلکه همان اطلاع یافتن به آن باید باشد که خداوند، علم به آن را مختص پاکان نموده است.

۲-۳. تنافی معنای انحصاری حس ظاهری با مقام رفیع قرآن کریم

مطابق قول برخی از مفسران معاصر، مقصود از «مسّ» باید معنای فهم و تفسیر معانی و مفاهیم آیات باشد؛ چرا که قرآن را کسی می تواند تفسیر ظاهری و باطنی جامع بکند که از هر خطایی

مصون باشد. (فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۲۱، ص ۳۴۵) به دلیل اینکه قرآن، همانند وجود انسان دارای درجات مختلف است. قرآن در هر درجه‌ای که هست، افراد خاصی که در آن درجه واقع هستند می‌توانند معانی آن را دریافت کنند. لذا درجه‌ی خاصی از قرآن هست که تنها ملائکه و انبیاء و معصومان می‌توانند به آن آگاه شوند. درجه‌ی ظاهری هم از آن هست که افراد پاک از حدث و خبث نیز می‌توانند به آن درجه‌ی ظاهری علم پیدا کنند. (ملاصدرا، ۱۴۲۹: ج ۷، ص ۱۰۹)

ما حصل اینکه، از آیه شریفه برداشت می‌شود که مراد از «مس» به لحاظ مقام که تجلیل از قرآن و مراتب رفیع آن است، صرف معنای دست زدن ظاهری به قرآن نمی‌تواند اراده شده باشد بلکه ادراک و فهم حقایق قرآنی است که تنها افراد پاک از ارجاس و مزین به ظرفیه معنویه، قادر به درک آنها هستند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱۰، ص ۱۲۳) لذا برخی از مفسران معاصر مثل استاد قرشی، اراده معنای حس ظاهری توسط ائمه معصومین (ع) را، استفاده خاص نام نهاده‌اند. (قرشی، ۱۳۷۵: ج ۱۰، ص ۵۴۲)

۴-۲. مخالفت اراده معنای انحصاری حس ظاهری با کلمه مطهرون

ظاهر لفظ مطهرون، بر کسانی اطلاق می‌شود که دیگری، آنان را پاکیزه گرداند و جزو تطهیر شدگان الهی در آید نه اینکه خودشان به طهارت و کسب آن اقدام نمایند. (انصاری، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۴۰۸؛ خوئی، بی تا: ج ۸، ص ۱۴۰)

افزون بر آن، اراده طهارت به معنای طهارت از حدث و خبث، حقیقت شرعیه‌ای است که تحققش در مکه، قابل اثبات و معلوم نیست؛ چرا که بیشتر احکام در شهر مدینه آمده و اکثر آیات نازل در مکه هم، دلالت بر عقاید و اصول دارند. بنابراین، دلالت طهارت بر پاکیزگی از آلودگی باطنی، احتمال بیشتر دارد تا دلالت بر پاکیزگی از آلودگی ظاهری.

از اینجا، معلوم می شود که افزون بر اینکه مسّ در آیه شریفه، به معنای دسترسی باطنی؛ یعنی فهم و درک است، «لا» هم بر خلاف نظر آلوسی، (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۴، ص ۱۵۳) از گونه نهی نیست تا آیه شریفه، تنها دلالت بر حکم فقهی بکند بلکه از گونه نفی است که خبر از واقعیتی می کند هر چند به معنای نهی و انشائی هم می تواند اراده بشود، لذا اگر در برخی از احادیث مانند حدیث منقول از امام رضا (ع) که فرمودند: «الْمُصْحَفُ لَا تَمْسُهُ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ وَ لَا جُبًّا وَ لَا تَمَسُّ خَطَّهُ وَ لَا تَلْعَلُّهُ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لَا يَمِسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۲۲۶) این نوع احادیث، حمل بر برداشت باطنی از قرآن هستند. افزون بر آن، ایرادات سندی و قابل حمل بر کراهت است که برخی از فقهاء، آن را ادعا نموده اند. (خوئی، بی تا: ج ۳، ص ۳۱۶)

در هر صورت، اینکه آقای رابرت ویسنو گزارش می نمود که معنای مسّ، تنها حس ظاهری و به معنای محافظت از تغییر و تبدیل منبع جامع به دست ملائکه آسمانی است، ایراد جدی دارد به دلیل اینکه مسّ در لغت و اصطلاح، در معنای مورد نظر رابرت منحصر نیست؛ چرا که برخی، آن را به معنای مس ظاهری و بعضی نیز، به معنای مساس عقلی و باطنی دانسته و عده ای از مفسران هم، آن را در معنایی اعم از معنای ظاهری و باطنی با حمل هر یک بر تفسیر و تأویل دانسته اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۲۹)

ج- گزارش رابرت ویسنو در تفسیر «مطهرون»

رابرت ویسنو اسکای در مقاله «کتاب آسمانی» خود، در ابتدا، به معرفی انواع و مصادیق کتاب آسمانی پرداخته و بیان می کند که کتاب تورات، متضمن احکام و عقاید است و انجیل هم، مشتمل بر نصایح و دستورات الهی است لکن قرآن مسلمانان، حاوی عقاید، اخلاق و قوانین است. و پس از آن که یکی از ویژگی های کتاب مکنون را، عدم دسترسی ناپاکان

(غیرمطهرین) به آن می‌شمرد، به معرفی «مطهرون» از دیدگاه مسلمانان پرداخته، می‌نویسد: «آنان، همان فرشتگانی هستند که در برابر هر تغییر و تصرفی، از آن کتاب محافظت می‌کنند».

نقد و تحلیل

ادعای رابرت، در اینکه مقصود از مطهرون، تنها ملائکه است به دلایل ذیل، مخدوش و غیر قابل قبول هستند:

۱. غفلت از برخی منابع اهل سنت

تفسیر کلمه مطهرون و تعیین مصداق آن، بین مفسران محل گفتگوست. اکثر مفسران اهل سنت، مصداق آن را ملائکه دانسته‌اند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۷، ص ۲۲۶؛ رسعی، ۱۴۲۹: ج ۷، ص ۶۱۹) به عنوان نمونه، فخر رازی با بیان اینکه کلمه مذکور، از ریشه تطهیر است نه از ماده اطهار، معتقد است بر اینکه مصداق مطهرون، تنها ملائکه هستند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۹، ص ۴۳۳) گزارش رابرت هم، احتمالات مستند به نظر افرادی مثل ماتریدی است که با انحصار مصداق مطهرون در ملائکه، مکنون بودن لوح را از حیث صیانت آن به دست آنان از هر گونه تبدیل و تغییر می‌داند. (ماتریدی، ۱۴۲۶: ج ۹، ص ۵۰۶) یا مستند به قول ماوردی است که مدعی است در صورتی که مقصود از کتب، لوح محفوظ باشد، در آن صورت، مقصود از مس، یا لمس و یا انزال آن توسط ملائکه خواهد بود. (ماوردی، بی تا: ج ۵، ص ۴۶۴)

در مقابل گروه قبلی، عده‌ای قلیل از مفسران اهل سنت، مطهرون را در معنایی اعم تفسیر کرده و ادعا نموده‌اند که مراد از «تطهیر»، تنها طهارت از حدث و خبث نیست بلکه رهایی از هر نوع آلودگی است که در درجه نخست، نجات از هر گونه تعلق به غیر خدا را شامل می‌گردد و یا نجات از هر پلیدی و گناهی که در پیشگاه الهی گناه محسوب گردد را فرا می‌گیرد، لذا مراد از تطهیر، تنها طهارت ظاهری و دوری از حدث و خبث نیست بلکه دوری

دل از هر پلیدی نفسانی و شیطانی است که اجتناب از گناه، زمینه را برای آگاهی از حقایق قرآن فراهم می‌کند. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۷، ص ۱۱۸)

از آنچه گفته شد، نتیجه گرفته می‌شود که تنها قول غالب در بین اهل سنت، معرفی ملائکه به عنوان مصداق مطهرون است. البته، به عقیده نگارنده، چنین تفسیری از مطهرون و معرفی انحصاری ملائکه برای آن، خالی از ایراد نیست به دلیل اینکه، عصمت از مطلق گناهان، مختص و منحصر در ملائکه نمی‌تواند باشد بلکه انبیاء و انسانهای ابرار را نیز شامل می‌گردد؛ چرا که انبیاء و افراد مخلص هم در نظر خود اهل سنت همچون فرشتگان، معصوم از عموم گناهان می‌باشند. همانطور که خود طبری هم، با توجه به این اشکال، قائل به معنای اعمی شده و بیان کرده‌اند که مقصود از «مطهرون» را نمی‌توانیم مختص ملائکه بکنیم بلکه شامل انبیاء و انسان‌های مخلص دیگر هم می‌تواند باشد. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۷، ص ۱۱۹)

۲. غفلت از استناد به منابع شیعی

در این میان، با نگاهی به آثار شیعی در تفسیر آیه مورد نظر، معلوم می‌شود که در میان عالمان شیعی، قول غالب، معرفی مطهرون در معنای اعم با توجه به گستره مفهومی مطهر به معنای عصمت از احداث، خطایا، گناهان، خبائث و ارجاس در ملائکه و غیر ملائکه است. (طوسی، بی تا: ج ۹، ص ۵۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۳۴۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹، ص ۱۳۷؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۲۸، ص ۱۰۴) در این قول هم، فرقی نیست بین اینکه مراد از کتاب مکون، لوح محفوظ باشد یا قرآن؛ چرا که افرادی مانند انبیاء و ابرار می‌توانند با اذن الهی و اصطفاء خداوند، از عالم غیب؛ یعنی لوح محفوظ مطلع باشند. زیرا خداوند در قرآن کریم، اطلاع بر غیب را در کنار اطلاع استقلالی خود، برای غیر خود هم با اجتناب الهی ممکن دانسته است. به عنوان نمونه، خداوند در آیه ۱۷۹ سوره آل عمران: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ

رُسُلُهُ مَنْ يَشَاءُ ... ؛ چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان گونه که شما هستید واگذارند؛ مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد. و نیز چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید؛ این بر خلاف سنت الهی است؛ ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد برمیگزیند؛ (و قسمتی از اسرار نهان را که برای مقام رهبری او لازم است، در اختیار او می‌گذارد). ...» اشاره دارد بر اینکه خداوند به برگزیدگان خودش که همان رسولان باشند، از غیب خبردار می‌نماید. (طوسی، بی تا: ج ۳، ص ۶۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۱۰۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۱۸۸)

۳. بی توجهی به مفاد برخی دیگر از آیات قرآن کریم

همانگونه که گذشت، دلیل بر اینکه، مصداق «مطهرون» در ملائکه منحصر نیست، این است که کلمه مذکور از تطهیر می‌آید و منظور از تطهیر، پاک شدن به واسطه خداوند است نه به وسیله خود؛ چرا که تطهیر، بر وزن تفعیل به معنای پاک کردن است و معنا و مفهومش، این است که انسان به دست دیگری از رذائل باطنی و ظاهری پاک گردد. روشن است که این کار در وجود انسان، به دست خداوند امکان پذیر است. پس، همان خدایی که ملائکه را به صورت تکوینی، از همه گناهان مبرا نموده است. افراد خاص و برگزیده خود را نیز می‌تواند به همان شکل، از عموم گناهان منزّه گرداند.

شاهد بر این معنا، آیه تطهیر؛ یعنی آیه ۳۳ سوره احزاب: «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ ... خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.» است که خداوند در آن به طور صریح، اهل بیت پیامبر (ص) را در نوبت نخست، از هرگونه رجسی پاک کرده و سپس، آنها را آراسته به فضائل فکری، روحی و رفتاری می‌نماید. خود طبری، تنها یک روایت در دلالت این آیه شریفه بر ازواج النبی نقل می‌نماید ولی روایات متعددی در شأن نزول این آیه شریفه در حق

آل عبا؛ یعنی پیامبر گرامی و حضرات فاطمه، علی، حسن و حسین نقل می‌کند. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۲، ص ۶) هر چند مفسرانی همچون قرطبی، آیه شریفه را عام معنا کرده اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۴، ص ۱۸۳) ولی توجه به این نکته مهم است که دلالت آیه بر پنج تن آل عبا، متیقن است و دلالت آن بر زوجات النبی، محل شک است. با وجود متیقن، اعتباری به مشکوک نیست.

افزون بر آنکه، اراده تکوینی مورد نظر در آیه شریفه، نمی‌تواند شامل زوجات النبی هم باشد چون اگر منظور از فعل «یرید» از نوع اراده تشریحی بود، در آن صورت، اشمالش بر زوجات النبی هم محتمل می‌گشت و با توجه به امکان تفکیک مراد از اراده در اراده تشریحی، منزلتی و فضیلتی برای «اهل بیت» باقی نمی‌ماند و در نتیجه، از این لحاظ هم، در دلالت آیه شریفه بر اهل بیت خاص پیامبر تردیدی نمی‌ماند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۶، ص ۳۱۰)

در این باره، یکی از مفسران معاصر چنین می‌نویسد: «جمله "یرید" اشاره به اراده تکوینی پروردگار است، و گرنه اراده تشریحی، و به تعبیر دیگر لزوم پاک نگاهداشتن خویش، انحصاری به خاندان پیامبر (ص) ندارد، و همه مردم بدون استثناء به حکم شرع موظفند از هر گونه گناه و پلیدی پاک باشند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۷، ص ۲۹۲)

پس «مطهرون» نه شامل تطهیرکنندگان ظاهری و اکتسابی است و نه منحصر در ملائکه است بلکه شامل کسانی است که خداوند به صورت تکوینی، نفوسشان را از هر گونه آلودگی رها نموده است زیرا مطهرون، آن کسانی هستند که خلقت پاکیزه دارند مثل ملک و نبی و اما اشخاصی که به واسطه وضوء و یا غسل پاکیزه هستند آنها را «متطهرون» می‌گویند که کسب پاکیزگی کرده‌اند، لذا این کلمه را نمی‌توان به کسانی که غسل کرده یا وضو گرفته‌اند معنی کرد، زیرا آنها را مطهر گویند نه مطهر. (قرشی، ۱۳۷۵: ج ۱۰، ص ۵۴۲)

به همین دلیل، مرحوم علامه طباطبایی، «مطهرون» را محدود به ملائکه نمی داند بلکه بر اساس آیه تطهیر در آیه ۳۳ سوره احزاب: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» انسان‌هایی نیز معرفی می کند که خداوند، روح شان را از هرگونه آلودگی پاکیزه گردانیده است. آنها، پیامبر اکرم (ص) اهل بیت و امامان معصوم علیهم السلام هستند.

(طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹، ص ۱۳۷)

نتیجه گیری

ما حاصل مطالب گذشته، این است که

۱. آقای رابرت ویسنو اسکای با عنوان «Heavenly Book» در دایره المعارف قرآن لایدن، گزارشی ناقص و معیوب از دیدگاه عالمان دینی مسلمان، در باره «کتاب مکنون، مس و مطهرون» ذیل آیات سه گانه ۷۷ تا ۷۹ سوره واقعه ارائه نموده است.

۲. نظر نخست وی در باره تفسیر کتاب مکنون، مخدوش است زیرا مراد از «کتاب مکنون» طبق عقیده مفسران اهل سنت و شیعی، یا قرآن کریم است و یا حداقل، به عینیت کتاب مکنون با کتاب جامع آسمانی ادعایی رابرت، اتفاق نظر ندارند. همانطوری که به نظر آنان، کتاب مکنون بر عکس عقیده رابرت به صورت مکتوب بر مردم توسط پیامبر نازل نگردیده است. و صفت «امّ الکتاب» هم، ناظر به قرآن کریم است. نه به کتاب جامع ادعایی رابرت.

۳. عقیده دوم رابرت در «مس» ایراد دارد زیرا معنای ادعایی رابرت، تنها با کلمه «متطهرون یا مطهرون» متناسب است و با سیاق آیات شریفه مورد بحث هم ناسازگار است و از طرفی، معنای ادعایی رابرت، با مقام رفیع قرآن کریم که آیات مزبور، به دنبال توصیف آن هستند، همسو نیست و از سوی دیگر، با معنای واژه «مطهرون» هم منافی است.

۴. دیدگاه سوم رابرت، در زمینه «مطهرون» هم کاستی دارد به این دلیل که مصداق ملائکه، نظر همه مفسران اهل سنت نیست و به نظر مفسران شیعی نیز، اعم از ملائکه و غیر ملائکه نظر غالب در میان آنان است و از سویی، نظر رابرت در ارائه مصداق ملائکه با مفاد برخی دیگر از آیات قرآن کریم منطبق نیست.

منابع

۱. قرآن کریم، ۱۳۸۷ش، ترجمه مکارم شیرازی، قم، نشر انتشارات نسل جوان.
۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، الغیبة (للنعمانی)، تهران، چاپ اول، نشر صدوق.
۳. ابن عربی، ۱۴۲۲، محمد بن علی، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن منظور، ۱۴۰۸ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۵. ابوحیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، نشر دارالفکر.
۶. آلوسی، شهاب الدین سید محمود، ۱۴۱۵ق، تفسیر روح المعانی، بیروت، نشر دار الکتب العلمیه.
۷. انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵، کتاب الطهارة، قم، نشر کنگره شیخ انصاری.
۸. بغدادی، علاء الدین محمد بن علی، ۱۴۱۵ق، تفسیر لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۹. بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، تفسیر معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۱. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸، تفسیر جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی.
۱۲. جوهری، ابونصر، ۱۴۰۴ق، صحاح اللغة، بیروت، بیروت، نشر دارالملاک للملايين.
۱۳. حافظیان، ابوالحسن، ۱۳۷۷ش، شرح و تفسیر لوح محفوظ، تهران، انتشارات طبع و نشر.
۱۴. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، بی تا، روح البیان، بیروت، نشر دارالفکر.
۱۵. حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، قم، نشر اسماعیلیان.
۱۶. خوئی، سید ابوالقاسم، بی تا، موسوعة الامام الخوئی، بی جا، بی نا.

۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن احمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، نشر دار العلم.
۱۹. رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله، ۱۴۲۹، رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز، عربستان - مکه مکرمه، نشر مکتبه الاسدی.
۲۰. زبیدی، سید مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، نشر دارالفکر.
۲۱. زمخشری، جار الله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف فی تفسیر القرآن، بیروت، نشر دار الكتاب العربی.
۲۲. سبحانی، جعفر، بی تا، مفاهیم القرآن، قم، نشر موسسه امام صادق ع.
۲۳. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۴. صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، تفسیر جوامع الجامع، قم، نشر حوزه علمیه قم.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، نشر ناصر خسرو.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تأویل آی القرآن، جامع البیان فی تفسیر آی القرآن، بروت، نشر دار المعرفه.
۲۹. طریحی، فخر الدین، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، تهران، نشر کتابفروشی مرتضوی.
۳۰. طوسی، محمد حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی.
۳۱. عسکری، ابوهلال، ۱۴۰۰ق، الفروق فی اللغة، بیروت، نشر دارالآفاق الجدیدة.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، کتاب العین، قم، نشر هجرت.
۳۳. فضل الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹، من وحی القرآن، بیروت، نشر دارالملاک.
۳۴. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، تهران، نشر صدر.
۳۵. فیومی، احمد بن محمد، ۱۳۹۷، المصباح المنیر، تهران، نشر دار الهجره؛
۳۶. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۵ش، تفسیر احسن الحدیث، تهران، نشر بنیاد بعثت.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، الجامع لاحکام القرآن، تهران، نشر ناصر خسرو.
۳۸. کریم پور قراملکی، علی، ۱۳۹۷ش، صیانت از وحی (پاسخ برخی از شبهات مستشرقین)، قم، نشر ادباء.
۳۹. ماتریدی، محمد بن محمد، ۱۴۲۶، تأویلات اهل السنة، بیروت، نشر دارالکتب العلمیه.

۴۰. ماوردی، علی بن محمد، بی تا، النکت و العیون تفسیر الماوردی، بیروت، نشر دارالکتب العلمیه.
۴۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، ۲۸جلد، دارالکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰.
۴۳. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، ۱۴۲۹ق، تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، قم، بیدار.
۴۴. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۰۹ق، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بی جا، نشر سماحة آیه الله العظمی سبزواری.
۴۵. Leiden Quran Encyclopedia, second volume, The article "Heavenly Book", Netherlands, Brill Publications, 2005.

Resources

The Holy Quran, 1387, translated by Makarem Shirazi, Qom, Nasl Javan Publications.

1. Ibn Abi Zainab, Muhammad Ibn Ibrahim, 1397 AH, Al-Ghaibah (Lal Nu'mani), Tehran, first edition, Sadouq Publishing.
2. Ibn Arabi, 1422, Muhammad Ibn Ali, Tafsir Ibn Arabi (Tawilat Abd al-Razzaq), Beirut, Publisher of Ahya al-Tarath al-Arabi.
3. Ibn Manzoor, 1408 AH, Lasan al-Arab, Beirut, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, first edition.
4. Abuhian, Muhammad bin Yusuf, 1420, Al-Bahr al-Muhait fi al-Tafsir, Beirut, Dar al-Fikr publishing house.
5. Alousi, Shahab al-Din Seyyed Mahmud, 1415 A.H., Tafsir Ruh al-Ma'ani, Beirut, Al-Katb Al-Alamiya Publishing House.
6. Ansari, Morteza, 1415, Kitab al-Tahara, Qom, published by Sheikh Ansari Congress.
7. Baghdadi, Aladdin Muhammad bin Ali, 1415 AH, Tafsir Labab al-Taawil fi maani al-Tanzil, Beirut, Dar al-Katb al-Alamiya.
8. Baghvi, Hossein bin Masoud, 1420 AH, Tafsir Ma'alam al-Tanzil fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Publishing House of Ahya Al-Tarath al-Arabi.

9. Beyzawi, Abdullah bin Omar, 1418 A.H., Anwar Al-Tanzil and Asrar al-Taawil, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
10. Thaalabi, Abd al-Rahman bin Muhammad, 1418, Tafsir Jawahar al-Hassan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Ahya Al-Tarath Al-Arabi Publishing House.
11. Johari, Abu Nasr, 1404 A.H., Sahah al-Lagheh, Beirut, Beirut published by Dar al-Mulak Lal-Malayain.
12. Hafezian, Abolhassan, 1377, description and interpretation of Loh Mahfouz, Tehran, Tabar and Nasha Publications.
13. Haqi Barsowi, Ismail bin Mustafa, Beita, Ruh al-Bayan, Beirut, Dar al-Fikr publishing house.
14. Hawizi, Abd Ali bin Juma, 1415 AH, Tafsir Nur al-Saqlain, Qom, Ismailian Publishing House.
15. Khoi, Seyyed Abul Qasim, Bita, Encyclopedia of Imam al-Khoi, bija, bina.
16. Fakhr Razi, Muhammad bin Omar, 1420 AH, Mufatih al-Ghaib, Beirut, Ihya al-Tarath al-Arabi publisher.
17. Ragheb Esfahani, Hossein bin Ahmad, 1412 AH, Al-Mufardat Fi Gharib Al-Qur'an, Beirut, Dar Al-Alam Publishing House.
18. Rasani, Abd al-Razzaq bin Rizqullah, 1429, Rumoz al-Kanuz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, Arabia - Makkah al-Mukaramah, publishing Maktaba al-Asadi.
19. Zubeidi, Seyyed Morteza, 1414 AH, Taj al-Arus Man Javaher al-Qamoos, Beirut, Dar al-Fikr publishing house.
20. Zamakhshari, Jarallah Mahmud bin Omar, 1407 AH, Al-Kashaf fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Al-Kitab Al-Arabi Publisher.
21. Sobhani, Jafar, Beita, Concepts of the Qur'an, Qom, published by Imam Sadiq Institute.
22. Siyuti, Jalal al-Din, 1404 AH, Al-Ald al-Manthur Fi al-Tafsir al-Mathur, Qom, Aya Allah Marashi Najafi Library.
23. Sadeghi Tehrani, Mohammad, 1365, Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Farhang Islamic Publishing House.
24. Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hossein, 1417 AH, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Jamia Madrasin.

25. Tabarsi, Fazl bin Hasan, 1412 AH, Tafsir Jameem al-Jami, Qom, Qom Seminary publication.
26. Tabarsi, Fazl bin Hassan, Majma al-Bayan Uloom al-Qur'an, Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Nasser Khosrow's publication.
27. Tabari, Muhammad bin Jarir, 1412 A.H., Jami al-Bayan fi Ta'awil Ai al-Qur'an, Jami al-Bayan fi Tafsir Ai al-Qur'an, Brut, Dar al-Marafa Publishing House.
28. Tarihi, Fakhruddin, 1375, Majma Al-Baharin, Tehran, published by Mortazavi bookstore.
29. Tousi, Muhammad Hassan, Beita, al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, publishing house of Ahya al-Tarath al-Arabi.
30. Askari, Abu Hilal, 1400 A.H., al-Frooq fi al-Legha, Beirut, Dar al-Afaq al-Jadidah Publishing House.
31. Farahidi, Khalil bin Ahmad, 1410 AH, Kitab al-Ain, Qom, Hijrat Publishing.
32. Fazlullah, Seyyed Muhammad Hossein, 1419, Man Wahi Al-Qur'an, Beirut, Dar al-Mulak Publishing House.
33. Faiz Kashani, Mhilamasan, 1415 AH, Tafsir al-Safi, Tehran, Sadr Publishing House.
34. Fayoumi, Ahmed Bin Mohammad, 2017, Al-Masbah Al-Munir, Tehran, Dar Al-Hijrah Publishing House;
35. Qurashi, Seyyed Ali Akbar, 1375, Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran, Baath Foundation Publishing.
36. Qurtubi, Muhammad bin Ahmad, 1364, Al-Jamei Lahkam al-Qur'an, Tehran, Nasser Khosrow Publishing.
37. Karimpour Qaramalki, Ali, 2017, Sayyanta ez Wahi (Answers to Some Doubts of Orientalists), Qom, Nash Adaba.
38. Matriddi, Muhammad bin Muhammad, 1426, Tawilat Ahl al-Sunnah, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya Publishing House.
39. Mawardi, Ali bin Muhammad, Beita, Al-Nakat and Al-Ayoun Tafsir Al-Mawardi, Beirut, Darul-Kitab Al-Alimeh Publishing House.
40. Mostafavi, Hassan, 1360, researching the words of the Qur'an, Tehran, translation and publishing company.

41. Makarem Shirazi, Nasser, 1371, Tafsir Nahosh, 28 volumes, Dar Al-Kutub-e-Islamiyya - Iran - Tehran, Print: 10.
42. Mulla Sadra, Muhammad bin Ibrahim, 1429 AH, Tafsir al-Qur'an al-Karim, vol.6, Qom, Bidar.
43. Mousavi Sabzevari, Seyyed Abdul Ali, 1409 A.H., Muhabbeh al-Rahman fi Tafsir al-Qur'an, Bija, published by His Highness Ayatollah Azami Sabzevari.
44. Leiden Quran Encyclopedia, second volume, The article "Heavenly Book", Netherlands, Brill Publications, 2005.